



Paper type:
Research paper

Abstract

The Islamic Intellectualism Approach in the Field of Women: Its Principles and Educational Goals*

■ Zeinab Noori Mombeyni¹ ■ Mas'oud Safaei Moghaddam² ■ Mohammad Jafar Paksaresh³ ■ Parvaneh Valavi⁴

- **Objective:** The main purpose of this study is to investigate the views of Islamic neo-intellectualism in the field of women and to extract its principles and educational goals.
- **Method:** The method of this research is analytical-inferential.
- **Findings:** What was concluded in this study based on the theoretical foundations of Islamic neo-intellectualism in the field of women regarding education are as follows: five educational foundations, one general goal, and five intermediate goals. The extracted educational principles include the high position of rationality in understanding religion, justice as a fluid and dynamic concept, hermeneutic approach to religion, emphasis on the fundamental equality of human beings in their rights, emphasis on freedom. The goals also include a general goal, which is the fundamental equality of men and women based on the inherent dignity of human beings, and five intermediate goals, including legal equality, educational equality, intellectual development, women's liberation, and women's independence.
- **Conclusion:** Islamic intellectualism, by crossing gender divisions, portray women's appearance, identity, their rights and education based on signs such as morality, fairness, conventions, interpretation of religious texts, and change based on the requirements of the time.

Keywords: Islam, Islamic neo-intellectualism, women, principles, goal





- **Citation:** Noori Mombeyni, Z, Safaei Moghaddam, M, Paksaresh, M_J, & Valavi, P.(2022). The Islamic Intellectualism Approach in the Field of Women: Its Principles and Educational Goals, *Applied Issues in Islamic Education*, 7(2): 109-132

Received: 2021/02/16

Accepted: 2022/04/30

Published: 2022/05/10

* This article has been extracted from the Ph.D. dissertation on the Philosophy of Education, in Shahid Chamran University of Ahvaz, entitled "Local Approach to Feminism and Presenting its Educational Denotations (with an Emphasis on the Idea of Equality as Fairness)" supervised by Dr. Safa'ie Moqaddam and Dr. Muhammad Jafar Paksaresh.

1. A Ph.D. student in the Philosophy of Education, Shahid Chamran University of Ahvaz.
E-mail: norimombeyni@gmail.com  0000-0002-0806-3968
2. **Corresponding Author** A Professor in the Department of Educational Sciences, the Department of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
E-mail: Safaei_m@scu.ac.ir  0000-0002-5843-0148
3. A Professor in the Department of Educational Sciences, the Department of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
E-mail: Paksareshet@scu.ac.ir  0000-0002-8808-8283
4. An associate of Professor in the Department of Educational Sciences, the Department of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
E-mail: p.valavi@scu.ac.ir  0000-0001-7052-3681



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



رویکرد نواندیشی اسلامی در حوزه زنان، مبانی و اهداف تربیتی آن

■ زینب نوری ممبنی* ■ مسعود صفایی مقدم** ■ محمدجعفر پاکسرشت*** ■ پروانه ولوی****

چکیده

- هدف: هدف اصلی این پژوهش، بررسی دیدگاه‌های نواندیشی اسلامی در حوزه زنان و استخراج مبانی و اهداف تربیتی آن است.
- روش: روش انجام این پژوهش تحلیلی - استنتاجی است.
- یافته‌ها: آنچه در این پژوهش براساس مبانی نظری نواندیشان اسلامی در حوزه زنان در زمینه تعلیم و تربیت استنتاج گردید عبارت‌اند از: پنج مبانی تربیتی، یک هدف کلی و پنج هدف واسطی. مبانی تربیتی استخراج شده شامل: جایگاه والای عقلانیت در فهم دین، عدالت به مثابه مفهومی سیال و پویا، رویکرد هرمنوتیکی به دین، تأکید بر تساوی بنیادین انسان‌ها در حقوق و تأکید بر آزادی می‌باشد. اهداف نیز شامل یک هدف کلی یعنی تساوی بنیادی زن و مرد براساس کرامت ذاتی انسان‌ها و پنج هدف واسطی شامل: برابری حقوقی، برابری آموزشی، پرورش عقلانی، آزادی زنان و استقلال زنان می‌باشد.



□ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

□ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۰

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری در رشته فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه شهید چمران اهواز با عنوان رویکرد بومی از فمینیسم و ارائه دلالت‌های تربیتی آن (با تأکید بر ایده برابری به‌مثابه انصاف)، با راهنمایی دکتر مسعود صفایی مقدم و دکتر محمدجعفر پاکسرشت است.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: norimombyni@gmail.com 0000-0002-0806-3968

** نویسنده مسئول: استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: Safaei_m@scu.ac.ir 0000-0002-5843-0148

*** استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: Paksereshet@scu.ac.ir 0000-0002-8808-8283

**** دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

E-mail: valavi@scu.ac.ir 0000-0001-7052-3681

● نتیجه‌گیری: نواندیشی اسلامی با عبور از تقسیمات جنسیتی، سیما، هویت، حقوق زنان و تعلیم و تربیت آن‌ها را براساس نشانه‌هایی مانند اخلاق، انصاف، عرف‌گرایی، تأویل‌گرایی، نصوص دینی و تغییر براساس مقتضیات زمان ترسیم می‌کند.

واژه‌گان کلیدی: اسلام، نواندیشی اسلامی، زنان، مبانی، اهداف

مقدمه:

در دنیای معاصر، مباحث مربوط به زنان در حوزه‌های گوناگون جزء حساس‌ترین و مهم‌ترین مباحث محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که تجزیه و تحلیل نقادانه جنسیت^۱، دست‌کم، از اواخر نیمه اول قرن بیستم به این‌سو، در عرصه‌های اعتقادی، علمی، فرهنگی، سیاسی، تربیتی، اخلاقی و غیره، جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. نگاه نقادانه مبتنی بر جنسیت، کوشیده است در حوزه‌های گوناگون، به‌خصوص در حوزه مسایل تربیتی، قرائت‌های جنسیتی جدید ارائه نماید. شاید بتوان ادعا نمود که در دنیای معاصر نظام‌های فکری، به‌خصوص نظام‌ها و نهادهای تربیتی، بیش از هر منظر دیگر، از منظر جنسیتی به نقد کشیده شده است (حکمت، ۱۳۹۱).

جنبش‌های فمینیستی جامعه ایران از زمان حضور خود یعنی عصر مشروطیت تا به امروز، تأثیر بر نهادهای آموزشی تعلیم و تربیت را مدنظر داشته‌اند؛ توجه به حوزه تعلیم و تربیت و آموزش زنان از ابتدای شکل‌گیری جنبش زنان در ایران به‌عنوان امری مهم در کانون توجه رهبران این جنبش‌ها بوده است. تأمل در عملکرد این جنبش‌ها اعم از انتشار مجلات، ایجاد مدارس دخترانه، ایجاد انجمن‌های زنان و ... نشان می‌دهد که آموزش زنان در جهت آگاه‌سازی ایشان از حقوقشان یکی از راه‌های مهم رسیدن این جنبش‌ها به اهدافشان بوده است. مسائلی چون تشویق به سوادآموزی، مبارزه با خرافات، آموزش‌های اخلاقی، بهداشتی و اجتماعی زنان، آشنایی با حقوق زنان در خانواده، مخالفت با ازدواج زودرس، فقدان حقوق سیاسی زنان و ... از جمله مسائلی بود که در مجلات زنان و انجمن‌های زنانه بدان پرداخته و آموزش داده می‌شد (ساناساریان، ۱۳۸۴).

بنابراین بررسی اجمالی تاریخچه فعالیت‌های جنبش زنان و نیز نتایج دستاوردهای‌شان در جهان و در ایران، به‌خوبی نشانگر این مطلب است که احقاق حقوق

زنان بیشتر در بستر آموزش و پرورش قابل تحقق است؛ زیرا آموزش، از مهم‌ترین عوامل ایجاد توانمندی‌های لازم برای ورود و نقش‌پذیری فعال آن‌ها در فرآیند توسعه فردی و اجتماعی است.

یکی از گفتمان‌هایی که در کشور ایران از دهه ۶۰، دست اندرکار واکاوی و بازخوانی مباحث و مسائل زنان شد، قرائت نواندیشی اسلامی^۱ است. این قرائت متأثر از نواندیشان دینی جهان اسلام به‌طور عام و فمینیسم‌های اسلامی به‌طور خاص، با بهره‌گیری از دستاوردهای معرفتی جدید، مدعی نگاه انسان‌مدارانه به زن هستند. اینان معتقدند رویکرد آن‌ها سعی دارد با عبور از تقسیمات جنسیتی، سیما، هویت، و حقوق زنان را براساس نشانه‌هایی مانند اخلاق، انصاف^۲ و برابری، عرف‌گرایی^۳، تأویل‌گرایی^۴ نصوص دینی، و تغییر براساس مقتضیات زمان ترسیم کند (حاجی‌وثوق و داوودی، ۱۳۹۷). برخی نواندیشان دینی چون کدیور (۱۳۸۸) معتقدند که نواندیشی اسلامی قرائتی است که در آن، عقلانیت^۵ و ایمان، حقوق انسانی^۶ و تکلیف الهی، آزادی فردی^۷ و عدالت اجتماعی^۸، خرد جمعی^۹ و اخلاق دینی، و عقل بشری و وحی الهی با هم همزیستی مسالمت‌آمیز دارند و در نتیجه، بالقوه از توانایی لازم برای ایجاد تحول بنیادین در حقوق زنان برای سازگار کردن آن با موازین جدید حقوق بشری برخوردار است.

رویکرد نواندیشی اسلامی با اتخاذ رویکرد هرمنوتیکی و تأویل‌گرایانه در متون دینی و نیز تأکید بر عقلانیت معاصر و لزوم توجه به اقتضائات زمانی در تدوین احکام و حقوق زنان، رای به تساوی بنیادی زن و مرد می‌دهد. براساس مبانی فکری نواندیشان اسلامی، در تعلیم و تربیت ایشان بر اصولی چون تربیت عقلانی و انتقادی، نگاه بازسازی‌گرایانه به دین و سنت، تفسیر منصفانه و سیال از عدالت و ... تأکید می‌شود و سایر ابعاد تعلیم و تربیت را نیز براساس اهداف و غایات موردنظر خود ترسیم می‌کنند. نواندیشان معتقدند که رویکرد آن‌ها در مورد زنان، می‌تواند مواجهه‌ای عاقلانه‌تر و منصفانه‌تر با مسائل زنان

1. Islamic intellectuals
2. Fairness
3. Conventionalism
4. Hermeneutics
5. Rationality
6. human rights
7. Individual freedom
8. social justice
9. Collective wisdom

داشته باشد؛ بدین صورت که، هم دین اسلام را به عنوان دین خاتم در عصر کنونی، پویا و زنده نگه خواهد داشت و هم پاسخگوی نیازهای زن امروزی که می خواهد در کنار دینداری اش به مقتضیات زندگی مدرنش نیز بپردازد، خواهد بود.

بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی رویکرد نواندیشی اسلامی در حوزه زنان و استنتاج مبانی و اهداف تربیتی آن می باشد. پژوهش های معدودی پیرامون آراء و نظریات نواندیشان اسلامی در حوزه زنان انجام شده است؛ از جمله حاجی وثوق و داودی (۱۳۹۷) که به بررسی چارچوب های معرفتی- روشی نواندیشان اسلامی در نگرش به حقوق سیاسی و اجتماعی زنان پرداخته است و نتیجه می گیرد که این رویکرد واجد نگاه انسان مدارانه به زن است و حقوق ایشان را بر این اساس تدوین می نماید. مشفق و لطیفی (۱۳۹۶) با ارائه بسته آموزشی پرورش مهارت های زندگی مبتنی بر مبانی اسلام، به اندازه گیری تأثیر این بسته بر هوش اخلاقی دانش آموزان دختر پرداختند؛ آن ها نتیجه گرفتند که آموزش مهارت های زندگی همچون عزت نفس، مسئولیت پذیری، رعایت نظم و ... با رویکرد اسلامی با استفاده از شیوه های فعال نظیر قصه گویی، ایفای نقش، بارش مغزی و ... سبب هوش افزایی اخلاقی در دانش آموزان دختر می شود. قوام و اسدی (۱۳۹۳) گفتمان نواندیشی اسلامی را به عنوان گفتمانی معرفی می کند که از دل گفتمان سنت و تجدد در ایران متولد شده است و مسأله هویت زن را از طریق بازخوانی متون و آرای سنتی براساس مفاهیمی چون حقوق بشر، اخلاقی و ... تبیین می کند. کدیور (۱۳۹۲) با نگاهی به حقوق زن در اسلام با ارائه ادله نقلی و عقلی در قرآن و سنت دینی معتقد به تساوی بنیادین زن و مرد می باشد. عظیمی چهارسوقی (۱۳۹۰) نیز ضمن بررسی تطبیقی واکنش اسلام گرایان سیاسی فقاهتی و نواندیشان دینی نسبت به حقوق زنان در ایران پس از انقلاب اسلامی، معتقد است که نوع نگاه هر کدام از این رویکردها براساس نظام فکری خودشان، داعیه تحقق حقوق زنان و حفظ ارزش های ایشان می باشد. اگرچه نواندیشان اسلامی کمتر پیرامون تربیت و نظام تربیتی در مورد زنان نظر داده اند، اما از مبانی نظری آن ها پیرامون فلسفه، دین، اجتماع، فرهنگ و سیاست می توان تعلیم و تربیت آن ها در حوزه زنان را استنباط نمود. با تأمل در باب این پژوهش ها در می یابیم که اگر چه هر یک از آن ها به نحوی اندیشه های نواندیشان اسلامی در حوزه زنان را مورد تحلیل و تفسیر قرار داده اند، اما هیچ کدام تعلیم و تربیت نواندیشان اسلامی در حوزه زنان

را مورد توجه قرار نداده و پژوهشی در این زمینه انجام نشده است. این در حالی است که مبانی فکری نواندیشان اسلامی دربرگیرنده هدف‌هایی چون تربیت تفکر انتقادی و عقل‌محوری، آموزش تساوی بنیادین انسان‌ها و تدوین حقوق زنان براساس شرایط و واقعیت است. علاوه بر این ورود نگاه‌های نقادانه مبتنی بر جنسیت به تعلیم و تربیت و لزوم بررسی این دیدگاه‌ها و استلزامات آن‌ها برای نظام آموزشی، مناقشات بر سر مطالبات زنان، رد پیش‌فرض‌های نواندیشان اسلامی در مسائل زنان توسط سنت‌گرایان دینی و با توجه به اهمیت و نقش آراء نوگرایانه «عقل‌گرایانه و هرمنوتیکی» نواندیشان دینی در اسلام‌شناسی معاصر، انجام پژوهشی پیرامون اندیشه‌های آنان با رویکرد تربیتی، ضروری به‌نظر می‌رسد؛ پژوهش حاضر با چنین هدفی صورت گرفته است. از این‌رو، پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از: مسائل زنان، حقوق اجتماعی آن‌ها در مبانی فکری و معرفتی نواندیشان دینی چگونه بازتاب یافته است؟ مواجهه منصفانه (منظور مواجهه با مسائل و تدوین حقوق زنان براساس شرایط و موقعیت کنونی آنان است) و معقولانه با مسائل زنان در رویکرد نواندیشی دینی اسلامی بر چه مبانی نظری استوار است؟ مبانی و اهداف تربیتی رویکرد نواندیشی اسلامی در مواجهه با زنان کدامند؟

روش پژوهش:

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و استنتاجی بهره گرفته شد. بدین معنا که در مقام تبیین از روش تحلیل و در مقام کشف مبانی، اهداف تربیتی و نتیجه‌گیری از روش استنتاجی استفاده شد.

روش تحلیلی در بررسی دیدگاه‌های نواندیشان اسلامی، توضیح مفاهیم و مبانی فکری ایشان استفاده شده است. روش استنتاجی عبارت است از مبنا قرار دادن یک موضع فلسفی، دینی و ... به‌نحوی که بتوان آن را کاربردی نمود و پاسخی برای مسائل تعلیم و تربیت فراهم آورد. این روش شامل استنتاجی پیش‌رونده و پس‌رونده است، که در این پژوهش از روش پیش‌رونده استفاده شده است، یعنی رفتن از مقدمات به‌سوی نتایج. به‌عبارتی از آنجایی که نواندیشان اسلامی فیلسوفان تعلیم و تربیت نیستند، لازم است دیدگاه‌های تربیتی ایشان در مورد مبانی و اهداف تربیتی از دیدگاه‌های فکری و فلسفی ایشان استخراج شود (حاجی محمدرفیع، غفاری، مسعودی و ایمانی، ۱۳۹۹).

بنابراین در این پژوهش برای استخراج مبانی و اهداف تربیتی از محتوایی که در مبانی فکری نواندیشی اسلامی در حوزه زنان درست و بدیهی فرض شده‌اند، به‌عنوان مقدمات استفاده شده است و مبانی و اهداف نتایج این مقدمات می‌باشند. مبانی و اهداف به‌نجوی استخراج شده است که پاسخی برای برخی مسائل زنان در حوزه تعلیم و تربیت فراهم آورد.

چارچوب نظری: نواندیشی اسلامی در حوزه زنان

همان‌طور که گفته شد گفت‌مان نواندیشی اسلامی در حوزه زنان، به‌طور عام متأثر از نواندیشان جهان اسلام و به‌طور خاص تحت‌تأثیر دیدگاه‌های فمینیسم‌های اسلامی^۱ است. این گفت‌مان تلاش دارد که با استفاده از نگاه معرفتی جدید تحولات اساسی را برای زنان رقم بزند. بر این اساس رویکرد نواندیشی اسلامی را چارچوب نظری مناسبی برای تحول در حقوق زنان می‌دانیم. در جهت آشنایی با این چارچوب، به بیان جریان‌شناسی نواندیشی اسلامی، مبانی و دیدگاه‌های نواندیشان اسلامی، مبانی تربیتی و اهداف تربیتی نواندیشان اسلامی در حوزه زنان می‌پردازیم:

۱. جریان‌شناسی نواندیشی اسلامی

شکل‌گیری جریان‌های دینی به مثابه واکنشی در برابر روند مدرنیته^۲ در سه‌رویکرد کلی از هم قابل تمییز است؛ ابتدا نگرشی که بر تعارض دین و مدرنیته تأکید دارد و با این جهت‌گیری در پی بازگشت به اصول راستین و اولیه اسلام است و هر آنچه بعد از آن رخ داده، را بدعت معرفی می‌کند. جریان دوم طیفی را در بر می‌گیرد که از تعامل و سازگاری تا انطباق کامل دو مفهوم سنت و مدرن را شامل می‌شود؛ طیفی که مفاهیم مدرن را در بطن واژه‌های سنتی قرار داده و آن‌ها را بازتفسیر می‌کند. این جریان با منکر شدن تعارض میان سنت و مدرنیته راه پیشرفت، راه دستیابی به علم و نهادهای مدرن می‌داند. این طیف با تقلیل‌گرایی^۳ در مفاهیم مدرن در صدد اسلامی کردن اصطلاحات مدرن برآمده است (میراحمدی و سجادی، ۱۳۸۷).

1. Islamic feminisms
2. Modernity
3. Reductionism

سومین جریان موسوم به نواندیشی اسلامی است. در این جریان که دربرگیرنده طیفی از متفکران اسلامی است، با رویکردهای انتقادی خاص خود از دو جریان قبلی متمایز می‌شود؛ به‌ویژه تأثیرپذیری این جریان فکری از هرمنوتیک فلسفی^۱ و فلسفه زبان شناختی^۲ و وجه قرائت اومانیستی^۳ آن، موجب فروپاشی بسیاری از مفاهیمی شده که در قرائت سنتی از دین به‌عنوان بدیهیات و مفروضات و پیش‌فهم‌ها محسوب می‌شده است (مجتهد شبستری، ۱۳۸۵).

به اعتقاد مصطفی ملکیان اگر رویکرد کسی به کتاب و سنت، تجددگرایانه^۴ باشد به آن شخص نواندیش دینی می‌گوییم؛ زیرا او متن یا متونی را مقدس تلقی می‌کند و می‌خواهد همیشه پاس آن متن یا متون را داشته باشد. و به‌همین لحاظ فردی دینی است و لائیک نیست. اما به این دلیل می‌گوییم نواندیش که به متن مقدس، با رویکرد بنیادگرایانه^۵ و رویکرد سنت‌گرایانه نمی‌نگرد بلکه با رویکرد تجددگرایانه به آن متون می‌نگرد (ملکیان، ۱۳۹۴).

۲. مبانی و دیدگاه‌های فکری نواندیشان اسلامی در حوزه زنان

نواندیشان اسلامی علی‌رغم آراء متفاوتی که دارند، دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که هرکدام از این ویژگی‌ها جزء مبانی اصلی فکری این رویکرد به‌شمار می‌رود. در ادامه مهم‌ترین این ویژگی‌ها آورده می‌شود:

۱. **تأکید بر عقل‌گرایی و رویکرد نقادانه:** نواندیشان اسلامی عقل را معیار برتر در تمیز نیک و بد دانسته و احکام امضاء شده عقل را از سوی خدا می‌دانند. به‌طور کلی، نواندیشان اسلامی «خردستیزی و یا خردپذیری» را به‌عنوان یکی از معیارهای تشخیص صواب و ناصواب در فهم و تفسیر کتاب و سنت و تعیین عقاید و اخلاق و احکام شرعی وارد میدان می‌کنند و معتقدند که همه عقاید دینی و اخلاق دینی و احکام شرعی به‌صورت مستمر با این معیار بررسی شود و سنجیده گردد (مجتهد شبستری، ۱۳۸۵: ۱۰-۹). آن‌ها معتقدند که دخالت عقل در فهم

1. Philosophical hermeneutics
2. Linguistic philosophy
3. Humanist
4. Modernism
5. Fundamentalist

دین در پرتو نظریه تکامل معرفت دینی، کمکی است که تئوری‌های علمی و فلسفی و کلامی و عرفانی به فهم دین می‌کنند. این کمک سر تحول معرفت دینی را باز می‌نماید و در هیچ عصری معرفت دینی از آن مستغنی نبوده است (سروش، ۱۳۹۳: ۳۱۵). به عبارتی ما در تفسیر متن مقدس نمی‌توانیم به عقل و یافته‌های علوم بشری بی‌اعتنا باشیم، در این صورت خود دین و متن مقدس نیز حجیتش را از دست می‌دهد. زیرا حجیت دین و متون مقدس دینی نیز از همین راه‌ها به دست می‌آید (ملکیان، ۱۳۹۴: ۴۰۲-۴۰۰). بنابراین در این رویکرد، احکام فقهی و حقوقی زنان نیز تجدید حیاتی تازه می‌طلبند، و باید خود را با ضوابط حقوق بشر که دستاورد تجربه و عقل است، همراه سازند. تحولات اجتماعی در هر عصر، شرایطی تازه و متفاوت با شرایط سابق به وجود می‌آورد. به اعتقاد نواندیشان دینی، اگر بخواهیم احکام دینی را که در شرایط خاص زمانی استنباط شده، به شرایط متحول امروز سرایت دهیم، موجب بحران خواهد شد. از سوی دیگر، معارف بشری و از جمله معرفت دینی، در حال تحول بوده و متأثر از معارف بیرونی است، بنابراین با تحول آن‌ها متحول می‌شود (سروش، ۱۳۹۳: ۱۵۷-۱۰۶) از این رو «هر نسل باید متون دینی را نقادانه تفسیر کند و بر تفسیر و استنباط پیشینیان تجزم نوزد و از برداشت‌های سنتی فراتر رود، منظرهای تازه بگشاید و تعبیری نو به دست دهد.» (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۱۶۹). در میان احکام و حقوق مختلف، حقوق زنان از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. نواندیشان معتقدند حقوقی که در اعصار گذشته برای زنان در نظر گرفته شده، نیازهای جامعه متحول امروز را بر نمی‌تابد و نیازمند پژوهش‌ها و اجتهادهای کارشناسانه و روزآمد فقیهان و پژوهشگران دینی است تا با استنباطی متأثر از عقل و عرف زمانه، حقوقی متناسب با شرایط عصر حاضر را برای زنان معرفی نمایند.

۲. حضور در زمان و درک واقعیت‌های امروزی زندگی انسان: نواندیشان

اسلامی معتقد به عرضی بودن احکام دینی می‌باشند. در نظر آن‌ها عرضی‌ها اصالت محلی و دوره‌ای دارند، نه اصالت جهانی و تاریخی و لذا قابل تغییرند؛ عرضیات دین اسلام عبارت‌اند از: عربی بودن اسلام، فرهنگ عربی اسلام، تئوری‌های علمی دوران قدیم (مثل طب، نجوم و...) در کتاب و سنت، داستان‌ها و رخداد‌های

قرآن و سنت، فقه و حوادثی که در تاریخ اتفاق افتاده است (سروش، ۱۳۷۷). لذا نواندیشان برخی احکام زنان را نیز عرضی می‌دانند. احکامی همچون حجاب، روابط مرد و زن، سن ازدواج و به‌طور کلی حقوق زنان، پاسخگوی نیازهای اجتماعی و نقشی که زنان و مردان برعهده گرفته‌اند، نیست از این‌رو می‌بایست براساس فرهنگ جدید و عرف زمان نوسازی شوند (سروش، ۱۳۷۸: ۳۴). تغییر شرایط زمانی و فرهنگی جامعه و ارتقای سطح توانایی‌های زنان و مهارت‌های اجتماعی آنان موجب می‌شود تا زنان بتوانند مسئولیت‌های جدیدی همچون قضاوت و مرجعیت تقلید را برعهده بگیرند و حقوق متناسب با موقعیت خود در هر زمینه‌ای را داشته باشند (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۶۱۵).

۳. اتخاذ هرمنوتیک فلسفی برای فهم متون دینی: اتخاذ هرمنوتیک فلسفی

برای فهم متن از همان ابتدا ابزار مناسبی را برای گذار از قرائت سنتی در اختیار نواندیشان اسلامی قرار می‌دهد، از جمله با اذعان داشتن بر صامت بودن متن و تأثیرگذاری پیش دانسته‌ها و انتظارات بر فهم، امکان قرائت‌های مختلف از دین پدیدار می‌شود و یا با رد درک نهایی از متن در این‌روش به مخالفت با قرائت رسمی از دین می‌پردازند (مجتهد شبستری، ۱۳۸۵). در بیانی شفاف‌تر، به اعتقاد نواندیشان اسلامی، بنیان‌گذاران ادیان از جمله پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز «چه در مقام تلقی از عالم واقع و چه در مقام ابلاغ تلقی شان از عالم واقع به مخاطبان خود، تحت تأثیر فرهنگ زمانه خود بوده‌اند و اکثر جنبه‌های فرهنگی زمانه‌ای که بنیان‌گذاران ادیان و مذاهب در آن می‌زیسته‌اند، در ادیان رسوخ کرده است» (ملکیان، ۱۳۹۴: ۳۲۷). نواندیشی اسلامی در ساختار تحلیلی-تأویلی معرفت دینی و در تفسیر و تحلیل بسیاری از عناصر و مقوله‌های مربوط به آداب و سنن اسلامی، این مقوله‌های را جزئی و تاریخ‌مند معرفی می‌کنند و معتقدند که باید به غایت اصلی اسلام توجه داشت و غایت اصلی اسلام نیز سعادت، عدالت و برابری بشر است (ابوزید، ۱۳۹۸). از نظر این گروه از نواندیشان دینی، احکام مربوط به زنان نیز از این ویژگی جدا نیست؛ چرا که «بخش عمده‌ای از مباحث مربوط به زنان در متون دینی، انعکاس معیشت و فرهنگ زمان نزول وحی است و غیر از گوهر مقدسی است که در این متون وجود دارد» (ملکیان، ۱۳۹۴: ۳۳).

حاصل این مباحث این است که احکامی چون عدم تساوی زن و مرد در ارث، شهادت، دیه و... ناشی از فرهنگ عصر پیامبر و ناظر بر وضعیت بالفعل زنان در آن زمان بوده، و چون روند حرکت پیامبر(ص) به سوی کسب برابری‌های حقوقی زنان بوده است، باید بدون توقف در آخرین امضاهای پیامبر(ص)، حرکت ایشان را برابری زن و مرد براساس شرایط و موقعیت آن‌ها ادامه داد.

مبانی تربیتی نواندیشان اسلامی در حوزه زنان

از مبانی نظری و دیدگاه‌های نواندیشان اسلامی در حوزه زنان، می‌توان مبانی تربیتی آن‌ها را به ترتیبی که در ادامه می‌آید تدوین و استنباط نمود. مبانی و اهداف تربیتی که آورده می‌شود، ممکن است با قطعیت در دیدگاه‌های نواندیشان اسلامی اشاره نشده باشد و تنها سخنی کلی ذکر شده باشد، لذا مبانی و اهداف ذکر شده، استنباط و با آراء و عقاید نواندیشان اسلامی مستدل گردیده است. مبانی تربیتی عبارت‌اند از مبانی نظری که ساختار اساسی نظام تربیتی را شکل می‌دهند. مهم‌ترین مبانی تربیتی نواندیشان دینی در حوزه زنان عبارت‌اند از:

۱. جایگاه والای عقلانیت در فهم دین،
 ۲. عدالت به منزله مفهومی سیال و پویا،
 ۳. رویکرد هرمنوتیکی به دین،
 ۴. تأکید بر تساوی بنیادین انسان‌ها در حقوق،
 ۵. تأکید بر آزادی.
- در ادامه به هر یک از این مبانی پرداخته می‌شود:

۱. جایگاه والای عقلانیت در فهم دین

در نزد نواندیشان اسلامی جایگاه عقل و برهان (استدلال) بارز است و همه چیز با توجیه و برهان عقلی^۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌طور کلی نواندیشان معتقدند که احکام دینی در زمان نزول، عقلانی، عادلانه و برتر از راه‌حل‌های مشابه تلقی می‌شدند و براساس سیره عقلای آن زمان، درک و توجیه می‌شدند. امروز نیز اگر حکمی از جمله «احکام مربوط به زنان» قرار است به دین نسبت داده شود و

1. Rational argument

«حکم اسلامی» تلقی شود، باید به عرف عقلای امروز، «عقلایی^۱»، «عادلانه^۲» و «برتر از راه‌حل‌های مشابه» دانسته شود (کدیور، ۱۳۸۸).

نواندیشان اسلامی بر وجه عقلانیت و عقلانیت دینی تأکید دارند. این عقل‌گرایی بی‌تردید در رویکرد تربیتی آنان تأثیر زیادی دارد و از عناصر غیرعقلانی و خرافه‌گرایی سنتی به‌ویژه در بحث تربیت زنان پرهیز می‌کند. بر این اساس آنچه می‌بایست به متریبان آموخت این است که هر انسانی فارغ از جنسیت از قوه عقلی برخوردار است و باید ضمن آموزش فرآیند استدلال، به آن‌ها یاد داد که هر چیزی را تنها براساس استدلال عقلی بپذیرند. برای رشد عقلانیت در متریبان باید آن‌ها را منتقد و آزاداندیش بار آورد؛ به‌گونه‌ای که هر ارزش و عقیده‌ای را قابل نقد و تحول عقلانی بدانند. پر واضح است که نظام آموزشی با تأکید بر اختصاص صرف قوه عقلی به مردان، سبب باز تولید فرودستی زنان می‌گردد؛ چرا که عدم پرورش قوه عقلی در زنان سبب می‌شود، نتوانند سنت‌ها و باورهای غلط در مورد زنان را به چالش کشیده و در راستای اصلاح آن‌ها قدم بردارند. بنابراین در رویکرد تربیتی نواندیشی، پرورش قوه عقلانیت و استدلال، آزاد اندیشی و نقادی زنان و مردان باید به‌صورت یکسان در ابعاد مختلف نظام آموزشی مورد توجه قرار بگیرد.

۲. عدالت به منزله مفهومی سیال و پویا

از نظر بسیاری از نواندیشان اسلامی، ارزش‌های اخلاقی همچون عدالت و برابری، اموری نسبی و متغیرند و جنبه وضعی، قراردادی و اعتباری دارند. «عدالت را باید در هر زمانی تعریف کرد. ما تفسیر ثابتی از عدالت و برابری، نه تنها در مسائل مربوط به زنان و مردان، بلکه در نظام سیاسی و اقتصادی هم نداریم، تعریف عدالت و برابری در هر عصری به خود انسان‌ها واگذار می‌شود و آن‌ها باید تعریفی از آن ارائه دهند. حداکثر چیزی که می‌توان گفت این است که مثلاً بگوییم عدالت آن است که به هر صاحب حقی حق خودش را بدهند.» (مجتهدشبه‌ستری، ۱۳۸۴: ۵۱۰). براساس چنین دیدگاهی، حقوق زنان با تعاریف عرف‌پسند از عدالت در هر زمانی دچار تغییر می‌شود. به تعبیر دیگر، چون هدف اصلی برقراری قسط و انصاف است، احکام

1. Rational
2. Justly

نیز باید متناسب با زمان و شرایط و به منظور تحقق انصاف و قسط تحول یابند (همتی، ۱۳۷۹: ۳۰-۲۸).

بر این اساس نظام تربیتی نواندیشان اسلامی بر پایه مفهوم سیال از عدالت استوار است و این امر تأثیر مستقیمی بر تعلیم و تربیت ایشان در حوزه زنان خواهد داشت. به عبارتی در این رویکرد، تمامی ابعاد تعلیم و تربیت رسمی می‌بایستی در جهت تحقق انصاف و قسط متناسب با زمانه و شرایط، شکل بگیرند. به طور مثال از نظر نواندیشان اسلامی رفتن به سمت فرصت‌های برابر آموزشی و شغلی در تمامی رشته‌ها فارغ از جنسیت، پرهیز از انتقال الگو نقش‌های سنتی زن و مرد در کتب درسی، پرهیز از نهادینه کردن روحیه تمکین، انفعال و عدم حضور زنان در عرصه‌های مختلف عمومی، ارزش‌گذاری یکسان به تجربیات زنان و مردان در قالب انتقال دانشی خنثی و فراهم نمودن زمینه ورود زنان به دنیای علم، برابری حقوقی به‌ویژه برابری در مقابل قانون، فرصت دستیابی به مناصب مدیریتی-سیاسی و آموزش زنان برای اکتساب آن‌ها، از بین بردن سلسله‌مراتب مردانه حاکم بر سیستم‌های آموزشی و ... از جمله شروط لازم تحقق چنین عدالتی بر حسب شرایط کنونی می‌باشد.

۳. رویکرد هرمنوتیکی به دین و متون دینی

نواندیشان اسلامی با اتخاذ رویکرد تفسیری^۱، عقل‌گرایانه، تأویلی و هرمنوتیکی مدعی هستند که مضامین قرآن شامل مقوله‌های جزئی و تاریخ‌مند^۲ (تاریخیت) و امور و غایت کلی و اصلی است و بر ضرورت توجه به غایت اصلی قرآن تأکید دارند و غایت اصلی اسلام را سعادت و عدالت می‌دانند (میراحمدی و سجادی، ۱۳۸۷). این نگاه تأویلی-هرمنوتیکی به قرآن و اسلام نتایج متعددی در تعلیم و تربیت نواندیشان اسلامی به‌ویژه در حوزه زنان دارد. براساس این مبنا هدف تعلیم و تربیت نواندیشی تربیت اشخاصی است که آمادگی «فهم آ»، «تفسیر»، «تأویل عقل‌گرایانه» را داشته باشند. برای تحقق این هدف دانش‌آموزان باید: به‌غیر از خود توجه کنند،

1. Interpretive approach
2. Historical
3. Understanding

تفاوت‌ها را به رسمیت بشناسند (عباسی علائی، ۱۳۹۲)، آمادگی به چالش کشیدن عقاید خود و عقایدی که از طریق محتوای درسی به آن‌ها القاء می‌شود را داشته باشند، بتوانند متون درسی را با نگاه زمینه مند و تاریخ‌مند آن بررسی کنند. همچنین از استلزامات دیگر به کارگیری رویکرد هرمنوتیک می‌توان به توجه ویژه به علوم انسانی و فرهنگی، تأکید بر برنامه درسی از پیش تعیین نشده و با پایان باز، تأکید بر ایجاد موقعیت‌های درسی برابر برای همه دانش‌آموزان برای ابراز عقیده، برخورد نقادانه با محتوای کتب درسی و متربی، ضرورت توجه به تفسیر و تأویل متربیان در فرآیند یاددهی- یادگیری و اشاره کرد.

بدیهی است که به کارگیری این‌روش و آموزه‌های آن در تعلیم و تربیت در حوزه زنان سبب می‌شود تا متربیان دختر از همان ابتدا با یادگیری فرآیند اندیشیدن به صورت مستقل و براساس عقلانیت و استدلال، به افرادی متفکر و نقاد تبدیل شوند؛ چنین زنانی با اتخاذ نگرش تفسیرگرایانه و تأویل‌گرایانه، برخورد نقادانه‌تر و مؤثرتری با مسائل حوزه خودشان دارند. مهم‌ترین تأثیر این نگرش در آن‌ها پرهیز از نگاه‌های جزم‌گرایانه^۱ در امور مختلف به ویژه مسائل زنان می‌باشد؛ این نگرش سبب می‌شود زنان تبیین بهتری از عوامل فرودستی خود داشته و اقدامات بهتری برای اصلاح و تغییر انجام دهند.

۴. تأکید بر تساوی بنیادین انسان‌ها در حقوق

عقلانیت معاصر، انسان را به این سبب که انسان است، صاحب حق شناخته است؛ و لذا از تساوی بنیادین انسان‌ها در حقوق دفاع می‌کند. نواندیشان اسلامی معتقدند که این مبنا با کرامت انسان و انسان‌شناسی قرآنی بسیار نزدیک است. برخی از آن‌ها همچون کدیور (۱۳۹۰)، با استناد به ادله نقلی یعنی آیات تساوی زن و مرد در قرآن، که معتقد است به قرینه دلیل عقلی، حاکی از حکمی دائمی‌اند و نیز استناد به ادله عقلی چون پیشادینی بودن عدالت که از مقتضای عاقل بودن انسان است، از تساوی بنیادین زن و مرد در حقوق، دفاع می‌کند.

تأکید بر مبنای تساوی بنیادین زن و مرد در زمینه حقوق متضمن استلزامات خاصی در حوزه تعلیم و تربیت زنان است؛ که مهم‌ترین آن‌ها تدوین اهدافی چون:

1. Dogmatic

برابری حقوقی، برابری آموزشی و فرصت‌های شغلی، تأکید بر آزادی و استقلال زنان و تنظیم اصول و محتوای نظام آموزشی جهت تحقق این اهداف می‌باشد.

۵. تأکید بر آزادی

نواندیشان اسلامی معتقدند که انسان به‌عنوان مخلوق خدا دارای آزادی^۱ عمل و حق انتخاب^۲ است و این مقتضای عادل بودن خداوند است و بر اساس همین آزادی و اختیار است که خداوند انسان را مسئول عمل خویش می‌داند؛ بنابراین برای انسان به این سبب که انسان است، آزادی فکر، ایده، بیان، و مساوات در حقوق و تکالیف و مشارکت در تنظیم زندگی سیاسی و اجتماعی پیش‌بینی شده است (مجتهدشبه‌ستری، ۱۳۸۵). آن‌ها معتقدند که بدون فردیت و آزادی انتخاب فردی نمی‌توان از کرامت انسانی دم زد (ابوزید، ۱۳۹۸).

این تأکید بر آزادی در تربیت نواندیشی در حوزه زنان، متضمن استلزامات خاصی در حیطه انتخاب سبک زندگی شخصی، تحصیلی، شغلی و ... است؛ تفکیک رشته‌های علمی بر اساس جنسیت در آموزش و پرورش و آموزش عالی، تقسیم فرصت‌های شغلی دانشگاهی بر اساس سلسله مراتب مردانه، ارائه نقش‌های جنسیتی کلیشه‌ای درباره زنان و مردان در کتب درسی و ... از جمله مواردی هستند که در رویکرد تربیتی نواندیشی به سبب تأثیر منفی بر آزادی عمل زنان و کاهش گزینه‌های انتخابی زنان برای رشد در زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها، نقادی شده و اصلاح آن‌ها ضروری می‌باشد.

اهداف تربیتی نواندیشان اسلامی در حوزه زنان

اهداف تربیتی نواندیشان اسلامی شامل یک هدف کلی و ۵ هدف واسطی می‌شود که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. هدف کلی: تساوی بنیادی زن و مرد بر اساس کرامت ذاتی انسان‌ها

بر اساس عقیده نواندیشی اسلامی، انسان از آن حیث که انسان است ذی‌حق است؛ نه انسان مؤنث یا انسان برده یا انسان سیاه (کدیور، ۱۳۹۰: ۱۶). انسانیت

1. the freedom
2. Right to Choose

به روح یا طبع انسانی است که در همه آدمیان همانند است و منشأ کرامت و احترام است. این روح یا طبع انسانی نه جنسیت دارد، نه نژاد، نه رنگ، نه دین، نه پایگاه اجتماعی، و نه هیچ صبغه دیگری. بنابراین تبعیض حقوقی نادیده گرفتن اصل کرامت است و از منظر عقلانیت معاصر، کرامت و عدالت بدون تساوی حقوقی بی‌معناست (حاجی‌وثوق و داوودی، ۱۳۹۷).

همچنین برخی نواندیشان همچون کدیور (۱۳۹۲) با استناد به ادله نقلی از قرآن به اثبات این تساوی بنیادی در حقوق زن و مرد می‌پردازند. ایشان آیات تساوی را به پنج دسته تقسیم می‌کنند:

● **اول تساوی در خلقت:** مانند آیه ۱۳ سوره حجرات: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ این‌ها ملاک امتیاز نیست، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست».

● **دوم، تساوی در آخرت:** آیه ۹۷ سوره نحل: «هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.

● **دسته سوم آیات:** تساوی در حقوق و تکالیف، آیه ۷۱ سوره توبه: این آیه برای زن و مرد مؤمن ولایت متقابل قائل شده است، ولایت امت بر یکدیگر. زن و مرد یکسان امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. تساوی زن با مرد در فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر و ولایت متقابل ایمانی تردیدی باقی نمی‌گذارد که زن اگر ذاتاً توانایی نمی‌داشت هرگز موظف به این دو فریضه نمی‌شد.

● **دسته چهارم آیات:** تساوی در عقاب و ثواب دنیوی و اخروی. آیات ۵ و ۶ و ۲۵ سوره فتح و آیات ۱۲ و ۱۳ سوره حدید زنان و مردان را یکسان و مساوی مشمول ثواب و عقاب معرفی می‌کند.

● **دسته پنجم آیات:** تساوی در زندگی زناشویی، تصویری که از آیه ۱۸۷ سوره بقره به دست می‌آید سهم مساوی زن و مرد در زندگی مشترک است. آنان لباس شما پند و شما لباس ایشانید.

نواندیشی اسلامی براساس این مبنا بر ضرورت توجه به نیازهای مادی، معنوی، هنری، ضرورت آزادی و رفاه، برابری حقوقی و ... برای همه انسان‌ها فارغ از جنسیت، تأکید دارد و لذا نظام تربیتی موردنظر این رویکرد باید در ابعاد مختلفش اعم از هدف، محتوا، روش و ... این ضرورت‌ها را به رسمیت شمرده و اعمال نماید.

۲. اهداف واسطی:

اهداف واسطی زمینه تحقق هدف کلی هستند (رشیدی، کشاورز، بهشتی و صالحی، ۱۳۹۶). اهداف واسطی تربیتی نواندیشان اسلامی در حوزه زنان شامل برابری حقوقی^۱، برابری آموزشی^۲، پرورش عقلانی^۳، آزادی زنان^۴ و استقلال زنان^۵ می‌شود که در زیر به آن‌ها می‌پردازیم:

● برابری حقوقی

نواندیشان اسلامی با قرائت تأویل‌گرایانه از قرآن تساوی بنیادی زن و مرد در حقوق را نتیجه می‌گیرند، بدین صورت که معتقدند: در گذشته علاوه بر جنسیت، نژاد و رنگ پوست و دین هم عامل تبعیض^۶ بود. اما در دین اسلام، نژاد و رنگ بر انسانیت مقدم نیست و آن چه خداوند به آن توجه می‌کند ایمان و عمل صالح ماست. مقتضای زمان جدید این است که انسان بودن انسان معیار ارزش شده است و همه اموری که احیاناً تفاوت در انسان‌ها ایجاد می‌کند این را منشاء تبعیض حقوقی ندانسته‌اند. نواندیشان اسلامی این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا اختلاف‌ها و تفاوت‌های بیولوژیک و فیزیولوژیک و بدنی می‌تواند منشاء تفاوت‌های حقوقی شود؟ کدام دلیل معرفت‌شناختی^۷ و فلسفی می‌تواند اثبات کند زن و مرد چون به لحاظ فیزیولوژیک با هم متفاوتند پس حقوقشان هم باید با هم متفاوت باشد؟ ما این تفاوت‌های بدنی را در نژادها و رنگ‌های مختلف هم داریم. اگر تفاوت‌های برخاسته از نژاد و رنگ باعث تفاوت حقوقی

1. Legal equality
2. Educational equality
3. Intellectual development
4. Women's liberation
5. Women's independence
6. Discrimination
7. Epistemology

نمی‌شوند به چه دلیل تفاوت جنسی باعث تفاوت حقوقی می‌شود؟
بر این اساس در رویکرد تربیتی نواندیشان اسلامی بسیاری از تبعیض‌های حقوق مدنی، حقوق جزایی و حقوق اساسی در حوزه زنان می‌بایستی از بین بروند و تعلیم و تربیت رسمی، نقش بسیاری کلیدی در ایجاد آگاهی نسبت به ناعادلانه بودن این تبعیض‌ها و نیز در اصلاح ذهنیت افراد جامعه نسبت به کلیشه‌های جنسیتی که به واسطه این تبعیض‌ها ایجاد شده است، دارد. تأمین حقوق و آزادی‌های برابر در این رویکرد تربیتی بدین صورت قابل تحقق می‌باشد که دانش‌آموزان به گونه‌ای تربیت شوند که از ابتدا دختران و پسران به یک چشم نگاه شده و در مورد آن‌ها به صورت یکسان عمل شود تا از به وجود آمدن جامعه دو جنسیتی جلوگیری شود. از سوی دیگر برای تحقق این هدف می‌بایستی نگاه‌های جنسیت زده در ابعاد مختلف تربیتی یعنی محتوای کتب، محیط‌های تربیتی، خانواده و جامعه از بین بروند و کلیه فرآیند آموزش و جامعه‌پذیری متربیان هم بر این اساس باشد.

● برابری آموزشی

اسلام هر واحد انسانی را در حدود توانمندی‌ها و استعدادها و امکانات، برخوردار از حق آموزش و فرهنگ می‌داند. تأکید بر استیفای این حق تاحدی است که در مواردی که پای یادگیری واجبات دینی و یا حتی پارهای نیازمندی‌های دنیوی به میان می‌آید، این «حق»، به «تکلیف» بدل می‌شود. پروردگار متعال با تأکید بر مقام علم و عالم می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟ آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند، برابرنند؟» (زمر، آیه ۹). از این رو اسلام، زن و مرد را در حق آموزش و فرهنگ، مساوی می‌داند و برای زن در این زمینه همان حقی را قائل است که برای مرد.

بر این اساس نواندیشان اسلامی به‌ویژه زنان نواندیش اسلامی برابری خواه، نابرابری آموزشی را از جمله ریشه‌هایی ستم به زنان می‌دانند؛ زیرا زنی که آموزش نبیند، نه از حقوق خود و دیگران مطلع است و نه از توانایی‌های خود، اما با آموزش هم از توانایی‌های خود و هم از حقوق خود و هم راه‌های دستیابی به آن‌ها اطلاع می‌یابد و از این راه استقلال زنان نیز تأمین می‌گردد.

زنان آموزش دیده با درک و فهمی بهتر از حقوق خود به نحو مؤثرتری در راستای قوانین برابر قدم بر می‌دارند (حسینی‌زاده، ۱۳۹۳: ۷۸). بنابراین برای تحقق برابری آموزشی، دست‌اندرکاران تربیتی می‌بایستی توجه داشته باشند که روش‌ها و برنامه‌های تربیتی آن‌ها و به طول کلی تعلیم و تربیت رسمی و عمومی بر اساس تبعیض میان زن و مرد طراحی نشده باشد و برابری فرصت‌های آموزشی مبنای کار قرار گیرد.

● پرورش عقلانی

در نزد نواندیشان اسلامی جایگاه عقل و برهان (استدلال) بارز است و همه چیز با توجیه و برهان عقلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. چنان‌که ابوزید به صراحت بیان داشت که اسلام دین عقل است و هیچ دینی چنین به تعقل دعوت ننموده است (ابوزید، ۱۳۹۸).

بر اساس دیدگاه نواندیشان اسلامی باید مبنای زندگی اجتماعی سیاسی مسلمانان، نتایج حاصل از عقلانیت عملی عصر حاضر باشد و مسلمانان متناسب با وضعیتی که در آن قرار دارند بهترین سبک تنظیم عقلانی و عادلانه زندگی را انتخاب کنند (حاجی‌خانی، کریمی و روحی برندق، ۱۴۰۰). به‌زعم ایشان دعوت قرآن به تفکر و تعقل، دعوتی همگانی است و مبنای جنسیتی ندارد و لذا پرورش قوه عقلانی را بسیار ضروری می‌شمارند.

براین اساس در تعلیم و تربیت رسمی هر مطلبی را که می‌خواهیم به دانش‌آموزان بیاموزیم؛ اولاً باید خردپذیر باشد، ثانیاً براساس استدلال عقلی ارائه شود و ثالثاً خردگریز و فراتر از امور عقلی و عقل دانش‌آموزان نباشد (حسینی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۷۰). این امر در حوزه آموزش زنان و حقوق، تکالیف و احکام آن‌ها، نتایج بسیار خاصی را به دنبال دارد، به عبارتی اگر تعقل‌گرایی را وارد مسائل حقوقی و تکالیف زنان کنیم، خواه ناخواه برخی از این مسائل تغییر پیدا می‌کنند. از سوی دیگر نواندیشانی چون کدیور (۱۳۸۸) معتقدند که عدالت توسط عقل انسانی قابل درک است و سیره عقلا حاکم بر حوزه عدالت می‌باشد؛ به عبارتی عدالت توسط مقتضیات عقلانی هر عصر تعریف می‌شود. این مسئله به‌ویژه در حوزه زنان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، چرا که تجهیز زنان به قوای عقل

و عقلانیت عصر خویش سبب آگاهی آنان به عادلانه بودن یا نبودن احکام و حقوقشان می‌گردد.

● آزادی زنان

از دیدگاه نواندیشان اسلامی، برای انسان به این سبب که انسان است، آزادی فکر، ایده، بیان، و مساوات در حقوق و تکالیف و مشارکت در تنظیم زندگی سیاسی و اجتماعی پیش‌بینی شده است. به عقیده برخی نواندیشان اسلامی همچون مجتهد شبستری (۱۳۸۵) عمده‌ترین ویژگی‌های انسان جدید، دو چیز هستند: نخست، آگاهی عقلی خود بنیاد و رسیدن به یک استقلال درونی و توانایی نقد سنت. دوم، آزادی و توانایی عملی برای تصرف در جهان زیست خود و تغییر آن. از لوازم رسیدن انسان به این دو ویژگی، آزادی فکر و عقیده و آزادی بیان می‌باشد و اگر قرار باشد انتخاب‌های انسان در شرایط عادلانه رخ دهد، باید آزادی برای همه انسان‌ها اعم از زن و مرد وجود داشته باشد و حق‌هایی برای فرد انسان‌ها فارغ از زن و مرد بودن، شناخته شود (حاجی‌وثوق و داوودی، ۱۳۹۷).

براین اساس یکی از راه‌های مهم تحقق این هدف با توجه به رویکرد تربیتی نواندیشی، دادن آزادی به متریبان در انتخاب رشته، مواد درسی و فرصت‌های شغلی متناسب با تحصیلات براساس علایق و استعدادها می‌باشد؛ به عبارتی نباید هیچ رشته، درس، برنامه آموزشی، شغل آموزشی و تدریس را صرفاً به مردان یا به زنان اختصاص داد و تنها فرصتی را فراهم آورد که افراد براساس علایق و استعداد خود، دست به انتخاب بزنند.

● استقلال زنان

هویت نامستقل و نامتشخص زنان، مانع رشد و خودگردانی^۱ زنان می‌شود؛ منظور از هویت مستقل، فردیتی است که زنان را به خود توجه داده و به کسب آزادی‌های فردی و تأمین رفاه شخصی، استقلال فردی و تلاش برای تساوی حقوقی ترغیب می‌نماید (تشگّری، ۱۳۸۱: ۱۹۰). نواندیشان معتقدند که زمانی

1. autonomy

زن بدون حمایت فیزیکی و مالی مرد نمی‌توانسته است زندگی کند، طبیعی است در چنین ظرف زمانی زنان خود به برتری حقوقی مرد مقررند، سیره عقلاً نیز این برتری حقوقی را عادلانه و منصفانه می‌شمارد. اما در شرایطی که اولاً سیره عقلاً و عقلاً از آن حیث که عاقل‌اند تفاوت‌های بیولوژیکی و فیزیکی و روان‌شناختی مرد و زن را عامل برتری حقوقی مرد بر زن به رسمیت نمی‌شناسد، مردان و زنان منصف نیز چنین تفاوتی را عدالت نمی‌دانند بلکه عین تبعیض می‌شناسند، زن و مرد هر دو در اقتصاد جامعه و خانواده مشارکت فعال دارند و زنان نیز به مانند مردان از حق استقلال در امور مختلف بهره‌مند می‌باشند (کدیور، ۱۳۹۰).

بر این اساس استقلال و کسب هویت مستقل زنان، از اهداف مهم تعلیم و تربیت در رویکرد نواندیشی اسلامی می‌باشد، چرا که داشتن این هویت مستقل سبب می‌شود این زنان در خانواده و جامعه نیز به گونه‌ای مستقل عمل نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

در پی دستیابی به دو هدف اصلی این مقاله یعنی بررسی مبانی فکری و دیدگاه‌های نواندیشان اسلامی در حوزه زنان، چگونگی مواجهه و تبیین مسائل آن‌ها و نیز استنتاجات تربیتی آن‌ها در بخش مبانی و اهداف تربیتی، با مراجعه به مبانی فکری و نظریات نواندیشان اسلامی، این نتیجه حاصل شد.

ابتداً باید گفت که زنان و مسائل‌شان به شرحی که در ادامه آورده می‌شود گفتمان نواندیشی اسلامی بازتاب یافته است: این گفتمان با بهره‌گیری از دستاوردهای معرفتی جدید و عبور از تقسیمات جنسیتی، سعی دارد سیما و هویت زن را براساس نشانه‌هایی مانند اخلاق، عدالت، عرف‌گرایی، تأویل‌گرایی نصوص دینی، و تغییر براساس مقتضیات زمان ترسیم کند و این امر به صورت بالقوه، از توانایی لازم برای تحول بنیادین در حقوق زنان و هماهنگ‌سازی آن با موازین جدید حقوق بشری برخوردار است. این گفتمان با خوانشی نوین از نصوص دینی بر پایه عقلانیت، عدالت، اخلاق، تاریخ‌مندی، و نگرش اجتهادی الگومحور، در پی ترسیم چهره‌ای از زن مسلمان است که از کرامت و شأن

انسانی والا و هم کفو مردان، و نیز حقوق سیاسی و اجتماعی برابر با آن‌ها برخوردار است. مهم‌ترین مبانی فکری نواندیشان اسلامی در حوزه تبیین مسائل زنان عبارت‌اند از:

۱. عقل‌گرایی: نواندیشان قائل به کار بست عقل به‌عنوان منبعی مستقل،

در حل مسائل زنان هستند و بحث‌های عقلی و فلسفی را بر مباحث قانونی و فقهی در این زمینه مقدم می‌دانند. آن‌ها معتقدند که می‌بایست با استنباطی متأثر از عقل و عرف زمانه، حقوقی متناسب با شرایط عصر حاضر را برای زنان معرفی شود.

۲. اتخاذ رویکرد هرمنوتیک در فهم متون دینی: نواندیشان اسلامی عمیقاً

به تاریخ‌مندی متن و اندیشه دینی باور دارند و معتقدند، بی‌توجهی به زمینه و بستر تاریخی نصوص، موجب می‌شود که فقها به ورطه ظاهر‌گرایی و دوری از مقاصد شریعت در حوزه زنان بیفتند. نواندیشان اسلامی با اتخاذ رویکردی هرمنوتیکی، خوانشی از نصوص دینی ارائه می‌دهند که برابری زن و مرد را از اهداف گفتمان قرآنی می‌داند و در دو جنبه برابری در اصل آفرینش و برابری در امور اخروی و مسئولیت‌های دینی نمایان شده است و مسائل تفاوت بر انگیز حقوقی، مانند تصدی مقام‌های سیاسی و قضایی، ارث، دیه، و... را به دلیل داشتن دلالت تاریخی و اجتماعی، با ارجاع به متن اصلی قابل تفسیر می‌دانند.

۳. حضور در زمان و درک واقعیت‌های امروزی زندگی انسان: یکی از اصول

فکری نواندیشان اسلامی اعتقاد به عرضی بودن برخی احکام دینی است؛ بنابراین معتقدند که برخی از احکام زنان که پاسخگوی نیازهای اجتماعی و نقش‌های آنان نیستند را می‌بایست براساس فرهنگ جدید و عرف زمان نوسازی شود. آن‌ها می‌گویند که تغییر شرایط زمانی و فرهنگی جامعه و ارتقای سطح توانایی‌های زنان و مهارت‌های اجتماعی آنان موجب می‌شود تا زنان بتوانند مسئولیت‌های جدیدی برعهده بگیرند و حقوق متناسب با موقعیت خود در هر زمینه‌ای را داشته باشند.

هدف دوم مقاله کاربردی کردن نظریات نواندیشان اسلامی در حوزه زنان در نظام تعلیم و تربیت رسمی و دستیابی به مبانی و اهداف تربیتی این گفتمان دینی است. آنچه در این پژوهش براساس مبانی نظری نواندیشان اسلامی در حوزه زنان در زمینه تعلیم و تربیت استنتاج گردید عبارت‌اند از: پنج مبنای تربیتی، یک هدف کلی و پنج هدف واسطی. مبانی تربیتی استخراج شده شامل: جایگاه والای عقلانیت در فهم دین، عدالت

به مثابه مفهومی سیال و پویا، رویکرد هرمنوتیکی به دین، تأکید بر تساوی بنیادین انسان‌ها در حقوق، تأکید بر آزادی می‌باشد. اهداف نیز شامل یک هدف کلی یعنی تساوی بنیادی زن و مرد براساس کرامت ذاتی انسان‌ها و پنج هدف واسطی شامل: برابری حقوقی، برابری آموزشی، پرورش عقلانی، آزادی زنان و استقلال زنان می‌باشد.

براساس آنچه گذشت، نظام آموزش رسمی و عمومی می‌تواند با ابتناء بر مبانی تربیتی که از نواندیشان اسلامی در حوزه زنان مطرح شد، به تربیت زنانی عاقل و نقاد، عدالت‌خواه و مطالبه‌گر، مستقل، آزادی‌خواه و آگاه به حقوق و نیازهای خود بپردازد. از سوی دیگر تأکید بر هدف کلی تساوی بنیادین زن و مرد، استلزامات خاصی در حوزه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی موجب می‌شود؛ که مهم‌ترین آن‌ها تدوین اهدافی چون: برابری حقوقی، برابری آموزشی و فرصت‌های شغلی، تأکید بر آزادی و استقلال زنان و تنظیم اصول و محتوای نظام آموزشی جهت تحقق این اهداف می‌باشد.

براساس یافته‌های حاصله در حوزه نظری می‌توان پژوهش‌های تطبیقی میان مبانی و اهداف تربیتی دیدگاه‌های نواندیشان اسلامی در حوزه زنان با رقیب سنتی‌اش یعنی سنت‌گرایان فقهاتی را پیشنهاد داد. همچنین پیشنهاد می‌گردد این پژوهش در زمینه استخراج اصول و روش‌های تربیتی نواندیشان اسلامی در حوزه زنان نیز انجام شود.

در حوزه پیشنهادی کاربردی نیز می‌توان بازنگری و تغییر رویکرد نظام آموزشی به تربیت زنان را نام برد. نتایج حاصله از این پژوهش در حیطه مبانی و اهداف تربیتی می‌تواند چشم‌اندازی برای این بازنگری باشد. آموزش دیدگاه انسانی و تغییر ذهنیت دانش‌آموزان در خصوص کرامت ذاتی انسان‌ها و تساوی بنیادین زن و مرد بر پایه قرآن و سنن اسلامی، از دوران ابتدایی و پرورش قوه عقلانیت فرد برای تشخیص آن نیز می‌تواند از جمله پیشنهادی کاربردی این پژوهش باشد. جدید بودن موضوع و عدم وجود هیچ‌گونه پیشینه کاملاً مرتبط در خصوص دیدگاه‌های نواندیشان اسلامی در حوزه زنان و دلالت‌های تربیتی آن، مهم‌ترین محدودیت این پژوهش بود.

تشکر و قدردانی

از تمام اساتید راهنما و مشاورم در دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، که مرا در انجام این پژوهش یاری نمودند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم

قرآن کریم

- ابوزید، نصر حامد. (۱۳۹۸). *دایره‌های ترس: زنان در گفتمان دینی*، ترجمه ادریس امینی، تهران: نگاه معاصر.
- تشگّری، زهرا. (۱۳۸۱). زن در نگاه روشنفکران، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- حاجی‌خانی، علی؛ کریمی، حسن، و روحی‌برندق، کاوس. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی انتقادی نظرات نواندیشان دینی عقل‌گرا و متن‌گرا پیرامون وحی. *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۱۸ (۱): ۷۱-۱۰۱.
- حاجی‌محمدرفیع، محمدرضا؛ غفاری، ابوالفضل؛ مسعودی، جهانگیر و ایمانی، محسن. (۱۳۹۹). مبانی، اهداف و اصول تربیت دینی دانش‌آموزان مبتنی بر پذیرش دور هرمنوتیک میان افکار، احوال و اعمال در حکمت متعالیه. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۵ (۴): ۵۷-۸۸.
- حاجی‌وثوق، ندا، و داودی، علی اصغر. (۱۳۹۷). چارچوب‌های معرفتی روشی نواندیشی اسلامی در نگرش به حقوق سیاسی و اجتماعی زنان (مطالعه موردی محسن کدیور و محمد مجتهدشستری). *علوم سیاسی*، ۱۳ (۴): ۷-۳۸.
- حسینی‌زاده، سیدعلی. (۱۳۹۳). «نقد و بررسی اصول تعلیم و تربیت فمینیسم لیبرال از دیدگاه اسلام». قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- حکمت، محمدآصف. (۱۳۹۱). بررسی و نقد نظریه تربیتی فمینیسم. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۴ (۱): ۳۱-۶۶.
- رشیدی، شیرین؛ کشاورز، سوسن؛ بهشتی، سعید، و صالحی، اکبر. (۱۳۹۶). ارائه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی براساس مبانی معرفت‌شناختی قرآن کریم. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲ (۲): ۷-۳۶.
- ساناساریان، الیزا. (۱۳۸۴). «جنسیت حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا ۱۳۵۷)». ترجمه: نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۷). ذاتی و عرضی در دین. *کیان*، ۵ (۴۲): ۴-۱۹.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۸). قبض و بسط حقوق زنان. *زنان*، ۸ (۵۹): ۱۵-۲۳.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۹۳). قبض و بسط تئوریک شریعت. تهران: صراط.
- عباسی‌علائی، ام‌کلثوم. (۱۳۹۲). هرمنوتیک و دلالت‌های آن برای اهداف و روش‌های تعلیم و تربیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ملایر.
- عظیمی چهارسوقی، پروین. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی واکنش اسلام‌گرایان سیاسی فقاهتی و نواندیشان دینی نسبت به حقوق زنان در ایران پس از انقلاب اسلامی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه یزد، دانشکده علوم انسانی.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۷). دین و جامعه. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۷). *سرآغاز نواندیشی معاصر (دینی و غیر دینی)*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- قوام، عبدالعلی، و اسدی، مشکات. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی، جایگاه زن در گفتمانهای مختلف ایران معاصر. *مطالعات میان‌فرهنگی*، ۹ (۲۳): ۹-۳۹.
- کدیور، محسن. (۱۳۸۸). «حق‌الناس (اسلام و حقوق بشر)». تهران: انتشارات کویر.
- کدیور، محسن. (۱۳۹۰). *بازخوانی حقوق زنان در اسلام، عدالت مساواتی به‌جای عدالت اسحاقی*. وب‌سایت رسمی محسن کدیور.
- کدیور، محسن. (۱۳۹۲). *نگاهی به حقوق زن در اسلام*. وب‌سایت رسمی محسن کدیور.
- مجتهدشستری، محمد. (۱۳۸۴). «نقدی بر قرائت رسمی از دین». تهران: طرح نو.
- مجتهدشستری، محمد. (۱۳۸۵). «نگاه ویژه: مؤلفه‌های نواندیشی دینی». *بازتاب اندیشه*، ۹ (۸۱): ۹-۲۰.

مشفق، مریم، و لطیفی، زهره. (۱۳۹۶). اثر بخشی بسته آموزشی، پرورش مهارت‌های زندگی (مبتنی بر مبانی اسلامی با روش فعال) بر هوش اخلاقی دانش‌آموزان دختر. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۴ (۱)، ۱۶۲-۱۴۵.

ملکیان، مصطفی. (۱۳۹۴). *مشتافی و مهجوری؛ گفت‌وگوهایی در باب فرهنگ و سیاست*. تهران: نگاه معاصر. میراحمدی، منصور، و سجادی، حمید. (۱۳۸۷). بنیان‌های گسست از سنت در جریان نواندیشی دینی در ایران. *نشریه دانش سیاسی*، ۴ (۷): ۱۸۱-۲۱۵.

همتی، مراد. (۱۳۷۹). با نگاه یک بعدی زنان را به دین بدبین نکنید. *زنان*، ۹ (۶۶): ۲۶-۳۵.

